

خبر

نقض آتش‌بس در قره‌باغ

●هم‌زمان با تکرار نقض آتش‌بس در منطقه قره‌باغ و ادعای ارمنستان مبنی بر فعال‌شدن توپخانه جمهوری آذربایجان، روسیه خواستار خویشتن‌داری طرفین شد. به گزارش ایرنا، ایروان گزارش داد که ارتش جمهوری آذربایجان حمله به شهرک‌های خین‌تکلار و ختسرد در قره‌باغ را آغاز کرده که پس از تحت‌کنترل‌گرفتن از سوی ارتش باکو، بقیه مناطق «هادروت»، به حالت مناطق محاصره‌شده درآمده‌اند.ارمنستان ادعا می‌کند ارتش جمهوری آذربایجان ابتدا با کمک توپخانه «خین‌تاگلار» را به تصرف خود درآورد و به سمت «ختسرد» حرکت کرد. در این تیراندازی شش سرباز ارمنی زخمی شده‌اند. همان‌طور که «هایک خاتومیان»، معاون سابق پارلمان قره‌باغ، به رسانه‌ها گفت از سرگیری درگیری‌ها ساکنان استیاباکرت را وادار کرد تا برای محافظت از خود، نزدیک پایگاه نظامی صلحیان روسیه تجمع کنند. همچنین نماینده ستاد نیروهای صلح روسیه در بیانیه‌ای خواستار رعایت آتش‌بس در ارمنستان و آذربایجان در قره‌باغ شد. وزارت دفاع روسیه در توضیحی گفت: «برای اطمینان از امنیت نیروهای حافظ صلح روسی و جلوگیری از حوادث احتمالی، تعامل مداوم با ستاد کل نیروهای مسلح آذربایجان و ارمنستان برقرار است». این اولین درگیری نظامی از ۱۰ نوامبر و بعد از آغاز آتش‌بس بود و روز قبل از درگیری مسلحانه، رژه نظامی در باکو برگزار شد؛ این رژه به مناسبت پیروزی جمهوری آذربایجان در درگیری در قره‌باغ کوهستانی برگزار شد. الهام علی‌اف و رجب طیب اردوغان، رؤسای‌جمهور آذربایجان و ترکیه در این مراسم حضور داشتند.

پرواز بمب‌افکن‌های بی‌۵۲ بر فراز مرز سوریه و عراق

● منبعی امنیتی در عراق از پرواز بمب‌افکن‌های بی‌۵۲ آمریکایی بر فراز اراضی سوریه در نزدیکی مرز با عراق خبر داد. به گزارش ایسنا، اسپوتنیک به نقل از المعلومه گزارش کرد این منبع با اشاره به ثبت پروازهای غیرعادی بر فراز مناطق مختلف سوریه، اعلام کرد: اطلاعات حاکی از آن است که بمب‌افکن‌های «بی‌۵۲» در مناطق از مرز عراق و سوریه به پرواز درآمده‌اند، اما هنوز علت و انگیزه حقیقی آن مشخص نیست. مقامات آمریکایی قبلا از انتقال بمب‌افکن‌های آمریکایی به منطقه خاورمیانه خبر داده بودند. بمب‌افکن بی‌۵۲ استراتفورترس توانایی پرواز با سرعت‌های نزدیک به سرعت صوت تا ارتفاع ۱۲هزارمتری را دارد. این بمب‌افکن قادر به حمل بمب اتم است. از بی‌۵۲ در جنگ‌های نامتعارف برای مأموریت‌های تهاجمی استراتژیک، پشتیبانی نزدیک هوایی، و عملیات دریایی استفاده می‌شود.

یک روز پس از آنکه دیوان عالی ایالات متحده شکایت ایالت تکزاس با همراهی ۱۷ ایالت دیگر در اعتراض به «بی‌نظمی» در روند رأی‌گیری در ایالت‌های جورجیا، ویسکانسین، پنسیلوانیا و میسیگان که به پیروزی «جو بایدن» دموکرات در انتخابات ماه سوم نوامبر انجامید را وارد ندانست، اولین درگیری خیابانی میان هواداران «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری این کشور و گروه‌های مخالف در واشنگتن دی‌سی، پایتخت آمریکا، رقم خورد؛ درگیری‌هایی که شاید زمینه‌ساز خشونت‌های بیشتر در ایالات متحده میان حامیان دونالد ترامپ و مخالفانش باشد.

شنبه عصر هزاران نفر از هواداران دونالد ترامپ در شهرهای مختلف این کشور از جمله در پایتخت راهپیمایی‌هایی برگزار کردند. آنها ضمن سردادن شعارهایی درباره تقلب در انتخابات، به سمت کنگره و دیوان عالی آمریکا حرکت کردند. پلیس هم بسیاری از راه‌های منتهی به کنگره و دادگاه عالی را به کمک خودروها و کامیون‌هایش بسته بود.

اما بسا گذشتهٔ زمان و تاریک‌شدن هوا، درگیری‌هایی میان گروه راست‌گرای «پراود بویز» (پسران سرفراز) که از حامیان ترامپ محسوب می‌شوند و گروه چپ‌گرای «آنتی‌فا» و گروه حامی سیاه‌پوستان به نام «جان سیاهان ارزشمند است» رخ داد که باعث ورود نیروهای امنیتی به غائله شد. در این درگیری‌ها حداقل چهار نفر با چاقو مورد جراحات عمیق قرار گرفتند و ۲۳ نفر نیز از سوی پلیس بازداشت شدند.

به گفته پلیس واشنگتن مشخص نیست این حملات از سوی کدام گروه بوده است. از طرف دیگر در درگیری‌ها در شهر المپیا مرکز ایالت واشنگتن در شمال غرب آمریکا هم یکی از معترضان چپ‌گرا مورد اصابت تیر قمر گرفته؛ اما هنوز از سرنوشت این فرد گزارشی منتشر نشده است. در ساکرامنتو در ایالت کالیفرنیا هم درگیری‌هایی میان دو طرف گزارش شده است. درگیری دو طرف با وجود مداخله پلیس و حتی استفاده آنها از اسیری فلکل‌های متفرق‌کردن معترضان، تا نیمه‌های شب ادامه داشت. معترضان طرفدار ترامپ، به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور که جو بایدن دموکرات در آن برنده شد، اعتراض دارند. وکلای نزدیک به ترامپ ازجمله «رودی جولیانی»، «لین وود» و «سیدنی پاول» در هفته‌های گذشته پرونده‌های متعدد شکایت علیه «بی‌نظمی» و «تقلب» در انتخابات ریاست‌جمهوری را در دادگاه‌های مختلف مطرح کردند؛ اما نتوانستند شواهدی محکم برای ادعاهای خود ارائه کنند و تیم حقوقی ترامپ تقریباً هیچ موفقیتی به دست نیاورد.
باین‌حال دونالد ترامپ و حامیانش همچنان

ادعای تقلب را تکرار می‌کنند و حاضر به پذیرش نتیجه انتخابات نیستند.

این در حالی است که نشست کالج انتخاباتی قرار است امروز برگزار شود و این احتمال وجود دارد که جو بایدن همان‌طور که برآورد تمام رسانه‌های معتبر پس از انتخابات نشان داد، رسماً به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده معرفی شود. ششم ژانویه هم نشست کنگره برای تأیید آرای اکتزال برگزار خواهد شد.

در چنین شرایطی تجمع‌کنندگان روز شنبه پلاکاردهایی با عنوان «دزدی را متوقف کنید» در دست داشتند و دونالد ترامپ هم در حساب توییتر خود وعده داد که «مبارزه ما تازه آغاز شده است». به‌این‌ترتیب انتظار می‌رود رویارویی پسران سرفراز و آنتی‌فا در روزهای آینده هم ادامه یابد.

پراود بویز

پراود بویز که از حامیان افراطی دونالد ترامپ به شمار می‌آید، در سال ۲۰۱۶ از سوی یک فعال راست‌گرای کانادایی-انگلیسی به نام «گوین مک اینیس» تأسیس شد و یک گروه راست‌گرای افراطی، ضدمهاجر و کاملاً مردانه است که سابقه خشونت خیابانی علیه مخالفان چپ‌گرای خود را دارد. آنها خود را یک گروه «شوونیست غربی» می‌دانند و نام این گروه هم اشاره به آهنگی از فیلم موزیکال پیراهن‌های یقه‌دار مشکی و زرد به همراه کلاه‌های قرمز «Make America Great Again» یا MAGA استفاده می‌کنند.

اگرچه مک اینیس ارتباط این‌گروه با راست‌گرایان افراطی حامی ترامپ را که عمدتاً یک جنبش حاشیه‌ای سیاسی ایالات متحده محسوب می‌شوند و بر برتری مطلق سفیدپوستان

تنش انتخاباتی آمریکا، گروه‌های افراطی راست و چپ را به خیابان‌ها کشاند

واشنگتن در بحران



تأکید دارد، رد می‌کند؛ اما براساس بررسی رفتار اعضای این گروه، الگوهای رفتاری راست‌گرایان ازجمله ملی‌گرایی افراطی و اعتقاد به برتری نژاد سفید کاملاً در آنها نمایان است. اعضای گروه پسران سرفراز در راهپیمایی‌هایی در سراسر ایالات متحده شرکت کرده‌اند و در درگیری‌ها با گروه‌های چپ‌گرا حضوری فعال داشته‌اند. آنها همچنین در راهپیمایی «اتحاد راست» در سال ۲۰۱۷ در کنار گروه‌های حامی برتری نژاد سفید ازجمله نئونازی‌ها در شارلوتسویل ویرجینیا شرکت داشتند. بایدن گفته است که اظهارات ترامپ در حمایت از این گروه حامی برتری نژاد سفید پس از خشونت‌های شارلوتسویل باعث شد تا تصمیم به ورود به عرصه انتخابات بگیرد.

با اینکه مک اینیس مؤسس گروه رسانه‌ای Vice Media در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که دیگر سمتی در این گروه ندارد و بیشتر به آنها مشورت می‌دهد؛ اما در جریان مناظره‌های انتخاباتی و زمانی که ترامپ با اصرار بایدن مجبور شد رو به دوربین از گروه‌های راست‌گرای حامی خود (ازجمله با نام بردن از گروه پراود بویز) سخاوادتا خشونت‌ها و درگیری‌ها در شهرهای آمریکا را متوقف کنند، مک اینیس ویدئویی منتشر کرد و خطاب به ترامپ گفت «که هدایت این گروه دست من است و من از آنها می‌خواهم عقب‌نشینی نکنند».

آنتی‌فا «مخفف «ضدفاشیست» است و وابستگی‌های نه‌چندان پررنگی به فعالان چپ‌گرا دارد و ریشه این گروه به مقاومت در برابر حکومت آلمان نازی بازمی‌گردد. این گروه را آتارشیست‌ها، کمونیست‌ها و تعدادی از سوسیال‌دموکرات‌ها تشکیل داده‌اند. آن‌گونه که رهبران این گروه

می‌گویند وجه تمایزشان با دیگر گروه‌ها این است که برای دفاع از خود دست به خشونت می‌زنند. طبیعتاً گروهایی که بیش از همه دشمن آنتی‌فا محسوب می‌شود، راست‌گرایان افراطی هستند. این جنبش که در یک دوره زمانی تقریباً به طور کامل در ایالات متحده ناپدید شد، پس از پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ دوباره مورد توجه قرار گرفت.

حضور این‌گروه در جریان اعتراضات به کشته‌شدن یک سیاه‌پوست در بهار امسال پررنگ‌تر از دیگر زمان‌ها بود. آنتی‌فا در پورتلند و اورگان که به میدان زدوخورد حامیان سیاه‌پوستان و پلیس و نیروهای امنیتی آمریکا تبدیل شده بود، حضوری پررنگ داشت و تصاویری هم از غارت فروشگاه‌ها و آتش‌زدن اماکن عمومی از سوی حامیان آنتی‌فا منتشر شد که واکنش‌های زیادی برانگیخت و دونالد ترامپ را بر آن داشت تا این‌گروه را یک گروه تروریستی بنامد. در جریان مناظره انتخاباتی هم دونالد ترامپ داشت تا تمام مسئولیت آشوب‌های خیابانی ماه‌های گذشته در آمریکا را متوجه این گروه کند.

نام این‌گروه آنتی‌فا (antifa) معمولاً با حروف کوچک نوشته می‌شود و مهم‌ترین دلیل آن این است که به طور کلی به‌عنوان یک گروه سازمان‌یافته واحد در نظر گرفته نمی‌شود و به همین دلیل است که دانستن تعداد اعضای فعال آنتی‌فا تقریباً غیرممکن است.

«کریستوفر ری» مدیر افس‌بی‌آی به‌تازگی در اظهارات خود در کمیته مجلس نمایندگان آمریکا گفت: «ما به آنتی‌فا بیشتر به‌عنوان ایدئولوژی یا یک جنبش نگاه می‌کنیم تا یک سازمان». او یک هفته بعد در سنا گفت: «بسیاری از افراد درباره آنتی‌فا از من سوآلاتی می‌پرسند؛ بنابراین اجازه دهید سعی کنم تا آنجا که می‌توانم، در این زمینه شفاف‌سازی کنم: آنتی‌فا موضوعی واقعی است. آنها حاصل خیال‌پردازی و داستان نیستند».

با اینکه هر دو گروه آنتی‌فا و پراود بویز نسبتاً کوچک هستند و حداکثر می‌توانند روی چند هزار طرفدار فعال خود حساب کنند؛ اما تمایل آنها به انجام اقدامات خشونت‌آمیز به‌ویژه هنگامی که در خیابان‌ها با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند، باعث نگرانی شده و حتی قبل از انتخابات هم هشدار داده شد که اگر تنش‌های انتخاباتی هفته‌ها و ماه‌ها بعد از انتخابات آمریکا ادامه یابد، باید در انتظار خشونت خیابانی این گروه‌ها باشیم.

جهان

تنش انتخاباتی آمریکا، گروه‌های افراطی راست و چپ را به خیابان‌ها کشاند

واشنگتن در بحران



تأکید دارد، رد می‌کند؛ اما براساس بررسی رفتار اعضای این گروه، الگوهای رفتاری راست‌گرایان ازجمله ملی‌گرایی افراطی و اعتقاد به برتری نژاد سفید کاملاً در آنها نمایان است. اعضای گروه پسران سرفراز در راهپیمایی‌هایی در سراسر ایالات متحده شرکت کرده‌اند و در درگیری‌ها با گروه‌های چپ‌گرا حضوری فعال داشته‌اند. آنها همچنین در راهپیمایی «اتحاد راست» در سال ۲۰۱۷ در کنار گروه‌های حامی برتری نژاد سفید ازجمله نئونازی‌ها در شارلوتسویل ویرجینیا شرکت داشتند. بایدن گفته است که اظهارات ترامپ در حمایت از این گروه حامی برتری نژاد سفید پس از خشونت‌های شارلوتسویل باعث شد تا تصمیم به ورود به عرصه انتخابات بگیرد.

با اینکه مک اینیس مؤسس گروه رسانه‌ای Vice Media در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که دیگر سمتی در این گروه ندارد و بیشتر به آنها مشورت می‌دهد؛ اما در جریان مناظره‌های انتخاباتی و زمانی که ترامپ با اصرار بایدن مجبور شد رو به دوربین از گروه‌های راست‌گرای حامی خود (ازجمله با نام بردن از گروه پراود بویز) سخاوادتا خشونت‌ها و درگیری‌ها در شهرهای آمریکا را متوقف کنند، مک اینیس ویدئویی منتشر کرد و خطاب به ترامپ گفت «که هدایت این گروه دست من است و من از آنها می‌خواهم عقب‌نشینی نکنند».

آنتی‌فا «مخفف «ضدفاشیست» است و وابستگی‌های نه‌چندان پررنگی به فعالان چپ‌گرا دارد و ریشه این گروه به مقاومت در برابر حکومت آلمان نازی بازمی‌گردد. این گروه را آتارشیست‌ها، کمونیست‌ها و تعدادی از سوسیال‌دموکرات‌ها تشکیل داده‌اند. آن‌گونه که رهبران این گروه

بوتان و اسرائیل رابطه دیپلماتیک برقرار کردند

نفوذ عمیق‌تر به آسیا

و رهبران آن تاکنون کوشیده‌اند از رخنه‌هایی عادات و رفتارهای امروزی دنیا به آن کشور جلوگیری شود. رابطه دیپلماتیک اسرائیل با بوتان در حالی برقرار شده که اخیراً مراکش نیز روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کرده است. مراکش چهارمین کشوری است که در سه ماه گذشته با اسرائیل توافق صلح امضا می‌کند. این‌گونه که رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند، تماس‌هایی با کشورهای اسلامی دیگر برای عادی‌سازی روابط با تل‌آویو برقرار شده است و در رأس آن پاکستان، اندونزی، نیجرو، مالی، جیبوتی، موریتانی، مجمع‌الجزایر قمر، برنونی، بنگلادش و مالدیو هستند. خبرگزاری فرانسه به نقل از برخی تحلیلگران می‌نویسد که عمان و برخی کشورهای آسیایی مانند اندونزی که به‌طور سنتی مخالف اسرائیل بودند، احتمالاً کشورهای بعدی در روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند و حتی ممکن است کشورهای آفریقایی نیز به توافق صلح پیوندند. این تحلیلگران بر این باورند که در نهایت عربستان سعودی نیز به این روند ملحق می‌شود؛ نکته‌ای که مقامات آمریکایی نیز درباره آن ابراز امیدواری کرده‌اند.از سوی دیگر، روابط با عربستان برای نتانیاهو مهم‌تر از رابطه با دیگر کشورهای عرب است؛ زیرا عربستان دارای ثروت زیاد، وسعت زیاد و جایگاه بالایی در میان کشورهای اسلامی است و این می‌تواند کارت برنده‌ای در دستان نتانیاهو باشد. اسرائیل و عربستان هرگز روابط دیپلماتیک نداشته‌اند و شاهزاده فیصل، وزیر خارج سعودی، پیش از این بارها گفته است که این پادشاهی از عادی‌سازی رابطه استقبال می‌کند اما پس از صلح میان فلسطین و اسرائیل، «بهبود یعاری»، تحلیلگر امور خاورمیانه، دراین‌باره می‌گوید: «روابط میان اسرائیل و عربستان از دهه ۸۰ قرن گذشته مستحکم شده است. روابط ما در گذشته شامل طرح‌هایی برای ایجاد خط لوله نفت از میادین خلیج فارس از طریق اسرائیل به دریای مدیترانه بود، اما به دلایل سیاسی این طرح‌ها اجرا نشد».
باین‌حال آن چیزی که عادی‌سازی را برای ریاض سخت‌تر کرده است، تغییر دولت در آمریکااست. اکنون اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس در یک موضوع اشتراک نظر دارند؛ ترس از تجدیدنظر «جو بایدن»، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا، در سیاست‌های کاخ سفید در خاورمیانه.

در حوالی میدان سرخ

مسکو و بلندپروازی‌های آنکارا رقابت در سایه دوستی

احمد وخشیته، **دانشیار دانشگاه ملی اوراسیا**

● اگرچه بحران سوریه سبب شد آنکارا در یک عقب‌نشینی تاکتیکی دست دوستی به سوی مسکو دراز کند، اما به نظر می‌رسد این رویکرد، مبتنی بر «بده‌بستان» بود. به دنبال گذار سیاست خارجی آمریکا به شرق آسیا، روسیه به قدرت پررنگ فرامنطقه‌ای در خاورمیانه تبدیل شد و طبیعتاً در این میان ترکیه برای کسب منافع حداکثری، بازی برد-بردی را با تأکید بر سیاست خارجی عمل‌گرایانه کرملین در سوریه تعریف کرد. میان سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های امنیتی-سیاسی به میزان فرهنگی-اقتصادی گسترش یافت، اما در سال ۲۰۲۰ تعارض‌ها بار دیگر آشکار شد تا این پرسش نیز پررنگ شود که آیا یک کشور عضو ناتو می‌تواند شریک خوبی برای مسکو باشد؟ هم‌زمان با آغاز سال ۱۴۰۲، اختلاف‌ها میان مسکو و آنکارا به موجب موضوع ادلب در سوریه به اوج خود رسید. به نظر می‌رسد که پس از حمله ترکیه به جنگنده سوخو ۳۴ روسیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵ که روابط بسیار تاریکی میان دو کشور حکمفرما شد، آنکارا آموخت که چگونه می‌تواند با روسیه وارد بده‌بستان شود تا در فضای یک سیاست خارجی رفاقتی، مشارکتی شکل بگیرد (البته حجم بسیار بالای تراز تجاری دو کشور نیز نقش درخرو تأملی در ایجاد این هم‌گرایی سیاسی-امنیتی داشت). در این میان، سیاست خارجی ولادیمیر پوتین و رجب اردوغان، رؤسای‌جمهور روسیه و ترکیه از همسانی و ضدیت‌هایی نیز برخوردار است که این موضوع همان میزان کم می‌تواند در همکاری منجر شود، ممکن است به چالش مهمی در روابط دو کشور هم بینجامد. سیاست‌های اعلانی آنکارا نیز همچون مسکو مقارن با سیاست‌های اعمالی است و برآیند این مدل از تصمیم‌گیری به‌عمل‌گرایی دقیقی در موضوعات منطقه‌ای منجر می‌شود که نقطه اشتراک سیاست خارجی دو کشور است. با وجود این، سیاست خارجی ارمان‌گرایانه اردوغان خلاف رویکرد واقع‌گرایانه کرملین است و همین امر پاشنه آشیل جدی در روابط دو کشور بوده که در سال ۲۰۲۰ سبب شد آنکارا در پیونده ادلب، قره‌باغ و اوکراین مقابل روسیه قرار بگیرد. روسیه که خود را بازیگر فرامنطقه‌ای و ابرقدرت جهانی به همراه چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل می‌داند، دنبال آن است که حضور خود را به‌عنوان قدرت برتر فرامنطقه‌ای در خاورمیانه تحکیم کند و در این میان تلاش دارد به واسطه موازنه تهدید میان بازیگران داخلی خاورمیانه، وضعیت پایدار در این منطقه به دور از تنش حکمفرما شود. در سوی دیگر، ترکیه در بُعد ژئوپلیتیک با ایران آشکارا در رقابت است و در فضای ایدئولوژیک نیز به عربستان سعودی که در نهایت برآیند این رقابت‌ها و تضاد روبنایی با اسرائیل سبب می‌شود که نظم منطقه با چالشی جدی روبه‌رو شود و این درست برخلاف دکترین سیاست خارجی کرملین است. به نظر می‌رسد تجربه سرنگونی هواییمای روسی، بحران ادلب و حتی رفتارهای قلدرمآنه‌انه ترکیه در بحران قره‌باغ، به اردوغان این اعتمادبه‌نفس را داده است که در تعامل با روسیه می‌داند که به عبارت عامیانه تا چه میزان باید پیچ را ببچاند که هم سفت شود (بیشترین منافع را کسب کند) و هم هرز نرود (منجر به تقابل نشود). باین‌حال ورود ترکیه به موضوع کریمه که خط قرمز روسیه به شمار می‌آید، می‌تواند به اشتباه محاسباتی آنکارا تبدیل شود. اردوغان به خوبی می‌داند که با آمدن جو بایدن، بار دیگر سازمان ناتو قدرت خواهد گرفت و ترکیه نمی‌تواند همچون دوران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، با زیرکی از رقابت میان روسیه و ائتلاف یوروآتلانتیک بیشترین منافع را منتفع شود. از سوی دیگر، به این موضوع نیز آگاه است که به دنبال روی‌کارآمدن دموکرات‌ها، اتحادیه اروپا بار دیگر در پی مهار روسیه برمی‌آید و اگرچه در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، رویکرد انفعالی نسبت به پیرونده اوکراین و الحاق کریمه به روسیه وجود داشت، اما اکنون فرصت مناسبی است که از کریمه به‌عنوان برگی برنده استفاده کند تا از حمایت ناتو بهره‌مند شود و جایگاه خود را که به واسطه خرید اس-۴۰۰ و نزدیکی به روسیه خدشه‌دار شده، احیا کند. از سوی دیگر، می‌بپردازد که این موضوع اهرم فشار محکمی بر مسکو است تا بیشترین امتیازها را به دست آورد؛ مانند آنچه در قره‌باغ بهره‌برداری کرد. اما برآیند این رفتار ترکیه سبب شد تا هفته گذشته دمتری پسکوف، سخنگوی کرملین، آشکارا تصریح کند که اختلاف‌هایی جدی بین روسیه و ترکیه در موضوع کریمه ایجاد شده است و اگرچه به اهمیت روابط دو کشور اشاره کرد، اما بر اصل عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و احترام به منافع نیز تأکید کرد. پیام این گفت‌وگو مشخص بود؛ روسیه کریمه را به‌عنوان بخشی از کشور خود می‌داند و این موضوع نه‌تنها جایی برای معامله ندارد، بلکه می‌تواند به پاسخی قاطع نیز منجر شود. با وجود این، در جریان ائتلاف ترکیه و اوکراین، عرصه در دریای آزوف برای روسیه دشوار خواهد شد؛ این بار اگر تنش جدیدی از سوی اوکراین همچون سپتامبر ۲۰۱۸ ایجاد شود، به موجب تفاهم‌نامه‌های میان آنکارا-کی‌یف، دیگر اوکراین تنها نخواهد بود و ترکیه به‌عنوان یک عضو ناتو با او همراه است و این همان موضوعی است که می‌تواند فرایند آشتی در رقابت میان مسکو- آنکارا را با چهره‌ای دیگر روبه‌رو کند.